

تفسیر رابطه زیبایی شناسانه میان حکمت اسلامی بر معماری اسلامی - ایرانی و تفکر متفکران مغرب زمین بر معماری مدرن غرب؛ با رویکردی به جایگاه حکمت اسلامی و فلسفه غرب در هنر معماری

حمید محمد حسین زاده هاشمی

مدرس دانشگاه - تهران، مجیدیه شمالی - hafez5555@yahoo.com

چکیده

در این مقاله که به منظور بازشناخت ارزش زیبایی شناسی جایگاه حکمت و عرفان بر «هنر معماری» اسلامی - ایرانی و مقایسه آن با تأثیر فلسفه و اندیشه بر «هنر معماری» مدرن مغرب زمین انجام گرفته است به بررسی جایگاه حکمت و فلسفه در «هنر معماری» پرداخته می شود. در این زمینه می توان به جایگاه بی مانند «هنر معماری» در جوامع بشری اشاره کرد که در دو فرهنگ شرق و غرب، بر اساس اندیشه های حکمت اسلامی و تفکر غرب، راهی دوگانه را در پیش گرفته است تا بدانجا که امروز حتی از اصل و اساس «هنر معماری» ابتدایی و آکادمیک خویش رویگردان شده و به نوعی دچار دگردیسی شده است. برای این منظور به بررسی برخی جایگاه های «زیبایی شناسی» مبتنی بر «هنر معماری» به معنای جامع کلمه پرداخته تا در سیر بیان تاریخی این هنر و با توجه به جایگاه اندیشه اسلامی و تفکر غرب که هر کدام از یک منشأ سرچشمه گرفته اما بر اساس فرهنگ ها، اقلیم و جامعه شناسی و مواردی دیگر از هم جداگشته اند، در نهایت بتوان به نتیجه ای دلخواه، که همانا رسیدن به جایگاه زیبایی شناسی حکمت و عرفان بر «هنر معماری» اسلامی - ایرانی و تقابل آن با جایگاه فلسفه و اندیشه بر «هنر معماری» مدرن غرب است، دست یافت.

واژه های کلیدی: هنر، اندیشه، زیبایی شناسی، هنر معماری، حکمت، فلسفه

1- مقدمه

جامعه نوین با رویکردی زیباشناسانه و استوار بر «زیبایی» تشکیل شده است - گیرم این زیبایی را هر فرد به نوعی و چهره ای دیگرگون تصور کرده و برشمارد که:
هر کسی از ظن خود شد یار من / از درون من نجست اسرار من
باری یک جامعه ی شهری زیبا مبتنی بر معماری و سازه های زیبای شهری - در کنار عوامل بسیاری دیگر که در این مقال نمی گنجد - است که می تواند بر بالیده و رشد کرده و چشماندازی زیبا را متصور شود؛ جامعه ای که از هر جنبه ای که بدان نگرسته شود، میتوان نمونه های زیبای «هنر معماری» را به مفهوم عام کلمه در رگ و پی آن به عینه دید؛ درباب «هنر» باید به این نکته اشاره کرد که از در این پژوهش «هنر» نه به عنوان یک موضوع یک جانبه، که از منظر دیدگاهی، موضوعی است فرا جانبه - بی حضور حد و مرزی شاید خودخواسته - آنچنان که یک تعریف واحد را نتوان برای «هنر» قائل شد؛ این تفکر به نوعی همسو است با آن سخن دکتر استاد شفیعی کدکنی که گفته اند: «تعریف شخصی من از «هنر» این